

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴) بهار ۸۴

## تشبیهات هنری در غزل سعدی\* (علمی-پژوهشی)

دکتر یحیی طالبیان

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

هوشنگ محمدی

افشار

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و

بلوچستان

چکیده

یکی از راههای طبقه بندی تشبیه علاوه بر شیوه های متعارف، تقسیم تشبیه از دید اغراقهای هنری است که جدول آن هم با توجه به استعداد و خلاقیت سخنوران قابل گسترش است. هدف هنرمند در این شگردهای بیانی، رهایی از افسردگی و کهنگی و رفع ابتدال از تشبیه و نوسازی آن است که موجب کشف افقهای بیکرانه در سخن و تصاویر مربوط بدان می شود.

در مقاله حاضر، تشبیهات شیخ اجل سعدی در غزل از دید اغراقهای هنری، بررسی و براساس مبانی نظری تبیین شده است و مواضعی را که هنرمند از اصل نظریه عدول کرده و به هنجار هنری و سبک شخصی خود دست یافته، بررسی نموده است.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۲/۱۳

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۷/۲۲

روش تحقیق در این گفتار، کتابخانه ای است و با بهره گیری از فنّ تحلیل و توصیف محتوا به نقد و تطبیق شواهد پرداخته و نتایج به دست آمده، طبقه بندی و ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** غزل سعدی، تشبیه، تخیل و تخیل، عکس، مشروط، مضمّر، اغراق هنری، تصویر، تناسی تشبیه.

## ۱- مقدمه

بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس

حد همین است سخندانی و زیبایی را (کلیات / ۴۱۸)

افصح المتکلمین سعدی شیرازی استاد مسلّم غزل و سرآمد سخنوران فارسی گوی است. در غزل که از هنرمندانه ترین انواع ادبی محسوب می گردد؛ گوی سبقت از همگنان ربوده است، تا آنجا که یکی از اصلی ترین معیارهای سخن عاشقانه را، غزل وی می دانند. سخن سعدی روشن، زلال و بدون تعقید و ابهام است و اگر ابهامی به چشم می خورد؛ یا از نوع ادبی و زیبا شناختی آن است، یا ریشه در ضعف حافظه تاریخی و حکایت از عدم درک جامعه شناختی از روزگار وی دارد و یا کم ذوقی مخاطب موجب ابهام می شود و گرنه، زبان سعدی بویژه در غزل، شفاف و سرشار از شورانگیزی و هیجان و امید به زندگی و نیز جانپور است. حتی سایر اشعار نیز «ساده، لطیف، عاشقانه و آکنده از احساس و تجربه شخصی»<sup>(۱)</sup> است و «غزلهای فارسی وی از یک عشق واقعی یا احساس عاشقانه ناشی از شور و هیجان جوانی حکایت می کرد.»<sup>(۲)</sup>

غزل، شاعرانه ترین نوع ادبی به شمار می رود و در این نوع و قالب، هنرمندی آن کس مسلّم تر است که نخست چهره درونی سخن را شناخته باشد و احساسات انسان را که در زوایای ناشناخته وجودش پنهان مانده و گاه رسوب کرده، به تصویر

بکشد و بی پرده یا در هاله ای از خیال انگیزی و شور عاشقانه، به زبان آورد. طبعاً هر چه شاعر در این زمینه تواناتر، تأثیر و نفوذ سخنش بر روان مخاطب یا خواننده و شنونده بیشتر است؛ تا بدانجا که موجب نشاط یا اندوه وی می شود یا او را به وجد و تغییر حال و تهذیب درون وامی دارد. هر چند سخن اصیل و ابتکاری تر باشد تأثیرش بیشتر و مرتبه سحر و افسون آن بالاتر است.

سعدی در حوزه غزل هم مانند سایر انواع ادبی مبتکر و از شائبه تقلید صرف به دور است<sup>(۳)</sup> و اگر معانی اختراعی دیگران هم بعضاً در شعر وی وارد شده، با تغییر شکل ماهوی در عبارات شیرین و وزین و رسا بیان شده و از تقلید به درجه ابداع (Creation) رسیده و درصید معانی تازه هم از دیگران پیشی گرفته و با افسون سخن در روابط طبیعی بیان و اندیشه های شاعرانه تصرف کرده و سخنش به اختراع (invention)<sup>(۴)</sup> و سحر منجر شده است تا بدانجا که آگاهانه اقرار می کند در میدان فصاحت، شهبوار این عرصه است و کسی به گرد او نرسیده است:

من در همه قولها فصیحم در وصف شمایل تو، اخرس (کلیات / ۶۵۲)  
وی در مقوله تشبیهات هنری، به ویژگیها و ارزشهایی دست یافته است که در کتب بلاغی سنتی پیش از او یا بدانها اشاره نشده یا کمتر بدان پرداخته شده است که در طول مقاله، بطور اجمال تبیین خواهد شد.

## ۲- بحث

### تشبیه و تخیل

تشبیه را به «مانند نمودن چیزی به چیزی، در معنایی به ادواتی خاص و بیان مشارکت دو چیز در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص»<sup>(۵)</sup> تعریف کرده اند. و بهترین نوع تشبیه را آن دانسته اند که «صفات مشترک آن بیشتر باشد چنانکه یادآور نوعی اتحاد گردد»<sup>(۶)</sup> این اتحاد مبتنی بر کذب و ادعاست. همان حقیقت

ادّعایی یا این همانی که در نهایت منجر به تناسبی تشبیه و پرواز خیال در فضایی می شود که حقیقی بنظر می رسد.

در میان شگردهای بیانی، تشبیه نزدیکترین رابطه را با تخیل دارد و همه شگردها و نیز زیورهای بدیعی از گذرگاه تشبیه که «فرمانروای اقلیم استعاره و تمثیل و ...»<sup>(۷)</sup> است به تصویر عواطف و تجسم خیال وارد می شوند. همچنین تشبیه از پایه های اصلی تخیل است که جوهر و اساس شعر محسوب می شود و هر چه تخیل هنری ترقوی تر، تأثیر آن بیشتر است و شاعر از گذرگاه تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه و برخی زیورهای بدیعی، تخیل را قوّت می بخشد. «استادی و چیره دستی بسیاری از شاعران بزرگ مانند سعدی و فردوسی و حافظ بیشتر در ابداع تشبیهات نیست بلکه در توأم کردن تشبیهات عادی با روانی و انسجام صنایع دیگر است و این خود نوعی نوآوری و ابداع است.»<sup>(۸)</sup> بعنوان نمونه در این دو بیت:

خوان درویش به شیرینی و چربی بخورند      سعدیا چرب زبانی کن و شیرین سخنی

(کلیات / ۶۳۸)

سعدیا گر بکند سیل فنا، خانه عمر      دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست

(همان / ۷۸۸)<sup>(۹)</sup>

شاعر با آمیختن تشبیه (سیل فنا، خانه عمر، بنیاد بقا) با استعاره و حسّ آمیزی (synaesthesia) و بیان پارادوکسی (oxymoron) و تقابل و تناسبهای بدیعی، تصاویر را شفاف کرده و تخیل (image) هم در اوج و نیروی تأثیر شعر به حدّ کمال است. از آنجا که اساس تشبیه بر کذب است، هر چه ادّعا در کذب بیشتر باشد؛ سخن به مبالغه و اغراق نزدیکتر و هنری تر می گردد و موجب حیرت می شود؛ زیرا: «متعجب ساختن و حیرت آفرینی یکی از ویژگیهای عمده تشبیه است و از این جهت به همراهی اغراق با تشبیه بیشتر پی خواهیم برد.»<sup>(۱۰)</sup>

### تشبیه از دیدگاه اغراق هنری در غزل سعدی

تشبیه را به اعتبار طرفین و وجه شبه وادات و ذکر و حذف و تعدد و ترکیب هر کدام و نیز به حسب قوت و ضعف درمبالغه و اغراض و فواید آن، به اقسامی چند تقسیم و طبقه‌بندی کرده‌اند و بیشترین توجه قدما به همین تقسیم بندیهای افراطی و ساختاری بوده است که گاه از دانش بیان خارج است و به علم بدیع سرایت و با آن تداخل کرده و با طول و تفصیل بررسی شده، منجر به طبقه بندی و جدولهایی گشته که غالباً جز محدود و مغشوش کردن ذهن و ذوق متعلمان، نتیجه ای در بر نداشته است. <sup>(۱۱)</sup> البته معدود نظریه پردازانی چون «مبرد» یا «ابن طباطبا»، از جمله نخستین دانشمندانی هستند که تشبیه را با دید هنری نگریسته اند و آن را از جهت صوری و معنوی و شکل و هیأت و رنگ و صدا و... تقسیم کرده اند <sup>(۱۲)</sup>، سپس عبدالقاهر جرجانی در «دلایل الاعجاز» و «اسرار البلاغه» و نیز سکاکی در «مفتاح العلوم»، روانکاوانه به بحث و تحلیل درباره آن پرداخته اند.

با توجه به آنچه گذشت، وظیفه منتقد ادبی این است که علاوه بر طبقه بندیهای کلی و کلیشه ای در تحقیق صورخیال هر هنرمند، به ویژگیهای فردی و شخصیتی هم توجه کند و از روی آثار هنرمند، به تحلیل و ارزیابی بپردازد و ارزشهای تازه کشف نماید. این شیوه تحقیق، حداقل درباره هنرمندان و شاعران صاحب سبک ضروری است و سعدی از آن گروه است.

اگر بخواهیم اقسام طبقه بندی تشبیه را بصورت کلی جمع بندی و خلاصه کنیم؛ می توان آنها را از سه دیدگاه قابل تقسیم دانست:

- ۱- از دید تعدد و ترکیب ۲- از دید افراد و تقید ۳- از دید اغراقهای هنری
- مشهورترین تشبیهات هنری، «تشبیه عکس، تفضیل، مشروط و مضمیر» هستند، که از قدیم مورد توجه منتقدان بوده اند، البته «تشابه» و «اظهار مقصود» را هم باید

اضافه کرد که نوعی خروج از هنجار و ورود به حوزه اغراق و مبالغه هستند، این گونه تشبیهات در برخی منابع معمولاً خارج از چارچوبها و جدولهای متعارف بررسی شده اند و در برخی منابع هم یکی یا دو تا ذکر و به صورت کلی بررسی شده است. هدف سخنور از آوردن این چنین تشبیهاتی، رفع ابتدال از «تشبیه قریب مبتدل» و نوسازی در تشبیه بوده است که با تصرف شاعرانه و اشاره خاص و شرط و عکس، به منظور جلوگیری از رکود و انحطاط ادبی و به انگیزه تحرک و پویایی و مبالغه در تشبیه آورده شده اند. با این وصف، هرچه در آثار شاعر یادوره ای، اینگونه تشبیهات بیشتر به چشم بخورد؛ توانایی آن روزگار یا سخنور و هنرمند در تخیل و تصویر سازی بیشتر است. این روشهای بیان در حوزه سبک عراقی در غزل سعدی ویژگیهای اختصاصی و شخصی خود را دارند که بررسی می شوند:

### ۱-۲- تشبیه تفضیل (برتری)

رادویانی از این تشبیه بعنوان «المرجوع عنه» نام می برد: «این چنان بود کی شاعر از تشبیه کرده باز ایستد و باز گرداند و چیزی ثابت کرده را نفی گرداند به قلب بر سیل مبالغت.<sup>(۱۳)</sup> شاعر پس از تشبیه و همانند کردن، مشبه را بر مشبه به برتری می دهد، گویی به تشبیهی که کرده، قانع نیست و می خواهد به وسیله برتری دادن مشبه بر مشبه به، به هدف خود که مبالغه است دست یابد و خود را خشنود سازد.<sup>(۱۴)</sup> هر که ماه ختن و سرروانت گوید او هنوز از رخ و بالای تو صورت بینی است (ب/ ۱۶)

سرو بالای منا گر به چمن برگذری سرو بالای تو را سرو به بالا نرسد

(ب/ ۳۳)

شاعر در بیت نخست، نه تنها زیبایی صوری و حسن مه روبان مجلس را برتر از ماه می پندارد، که زیبایی معنوی و سیرت نیکوی محبوب را در نظر دارد. در بیت دوم،

تنها زیبایی ظاهری و رسایی قامت مدنظر است که آرایه جناس هم به تأثیر خیال یاری رسانده است. همچنین در بیت ذیل جناس به خدمت تفضیل آمده است:

ساقی! بده آن کوزه یاقوت روان را      یاقوت چه ارزد؟ بده آن قوت روان را  
(ب/۵)

### و در این بیت:

آن خرمن گل، نه گل که باغ است      نه باغ ارم که باغ مینوست  
(کلیات/۶۵۱)

در دو مصراع، دو برتری بیان کرده است که هر دو علاوه بر نو کردن تشبیه، مؤید تأکید و اغراق هنری نیز هستند.

گاه مقصود از تشبیه تفضیل، علاوه بر رفع ابتدال و نوآوری و آراستن وزنده کردن تشبیه، نوعی شرط هم هست، اما: «آنچه تشبیه برتری را از تشبیه شرطی جدا می کند؛ این است که در آن تشبیه، برتری مانده (مشبه) بر مانسته (مشبه به) به گونه شرط در سخن آورده شده است.<sup>(۱۵)</sup> اما در تشبیه تفضیل ذکر شرط ضروری نیست.

### تشبیه تفضیل با ادات شرط:

نیشکر با همه شیرینی، اگر لب بگشایی      پیش نطق شکرینت چونی انگشت بخاید  
(ط/۱۷۵)

### بدون ادات، اما در معنی شرطی:

یارب که تو در بهشت باشی!      تا کس نکند نگاه در حور

(ط / ۱۸۴)

آفتاب و سرو غیرت می برند!      کافتابی سرو بالا می رود (ط / ۱۷۰)

### ویژگیهای تشبیه تفضیل شعر سعدی:

۱-۱-۲- سعدی با تشبیه بموقع، ژرفای اندیشه و نیروی تخیل خویش را نمایان می‌سازد و نه تنها با زیورهای بدیعی و تشبیه واستعاره، سخن را خیال انگیز می‌کند و خواننده را به تأمل وادار می‌دارد بلکه وی را وادار به مطالعه در مکتب سعدی و زمینه های علمی و فرهنگی وی می‌کند و از این رو به منشأ الهام و ژرف ساخت ذهنی شاعر که علم عاشقی بر مبنای تصوّف و عرفان اهل سکر خراسان و میراث جاودانه حلاج و با یزید است؛ پی برده و لذت بیشتر می‌برد:

زاهدی برباد «الّا» مال و منصب دادن است عاشقی در ششدر «الّا» کفر و ایمان باختن  
(ب / ۶۵)

تونه مثل آفتابی که «حضور و غیبت» افتد دگران روند و آیند و توهم چنان که هستی  
(ب / ۷۲)

۲-۱-۲- در روابط طبیعی تشبیه ابتکار ایجاد می‌کند و این روابط به مناسبات غیر طبیعی مبدل می‌شود.<sup>(۱۶)</sup>

نه تنها مشبّه را بر مشبّه به ترجیح می‌دهد؛ بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌نماید و جنبه منفی و حداقل کم خاصیت و انفعالی (Passive) بدان نسبت می‌دهد و رابطه طرفین، مبدل به تضاد و تقابل می‌گردد:

به چشمهای تو کان چشم کز تو بر گیرند دروغ باشد به ماه آسمان انداخت  
(ب / ۹)

سرو در اید ز پای، گر تو بجنبی ز جای ماه بیفتد به زیر، گر تو بر آیی به بام  
(ط / ۲۰۱)

تو اگر چنین لطیف از در بوستان در آیی گل سرخ شرم دارد که: چرا همی شکفتم؟  
(ط / ۲۰۴)

چه نشینی ای قیامت؛ بنمای سرو قامت به خلاق سرو بستان، که ندارد اعتدالی!  
(ط/۲۶۶)

دگر آفتاب رویت منمای آسمان را که قمر زشر مساوی بشکست چون هلالی  
(ط/۲۶۷)

### تفضیل و عکس با هم:

خورشید و گلت خوانم، هم ترک ادب باشد

چرخ مه و خورشیدی، باغ گل و نسربینی (ط / ۲۷۶)

گل را مبرید پیش من نام با حسن وجود آن گل اندام

(کلیات / ۶۵۵)

ای سرو به قامتش چه مانی زیباست، ولی نه هر بلندی

(کلیات/۶۵۶)

۳-۱-۲- گاه با ایهام، تناسب، تلمیح و اشاره به اطلاعات دقیق نجومی و علمی و استعاره ها و تشبیهات اساطیری و حذفهای مخصوص که مبین بلاغت و ویژه سعیدی است؛ طرفین را در تقابل قرار می دهد و برتری مشبّه به را اثبات می کند:

قیمت گل برود چون تو به گلزار آبی و آب شیرین، چو تو درخنده و گفتار آبی  
(ط / ۲۸۰)

روی تو، چه جای سحر بابل؟ موی تو، چه جای مار ضحاک

(کلیات/۶۶۰)

ایام را به ماهی یک شب هلال باشد آن ماه دلستان را هر شب بود هلالی

(ب/۸۱)

خورشید که شاه آسمان است در عرصه حسن او پیاده....

(ط/۲۴۳)

۴-۱-۲- بخش عمده تشبیهات تفضیل در غزل سعدی در برتری معشوق بر ماه و سرو و گل است که تشبیهات فرسوده ای به نظر می رسند و شیخ آنها را از ابتدال رهایی می بخشد و ساختار غالب تشبیهات، مقید، مرگب و تمثیل است:

بُلعجب باشد ازین خلق که رویت چومه نو

می نمایند به انگشت و تو خود بدر تمامی!

(ط / ۲۶۷)

نشینده ام که ماهی، بر سر نهد کلاهی      یا سرو با جوانان هر گز رود به راهی  
سرو بلند بستان، با این همه لطافت      هر روزش از گریبان سر بر نکرد ماهی

(ب / ۸۹)

به جای سرو بلند، ایستاده بر لب جوی      چرا نظر نکنی یار سرو بالا را

(ط / ۹۸)

در پای لطافت تو میراد      هر سرو سهی که بر لب جوست  
آن خرمن گل، نه گل، که باغ است      نه باغ ارم، که باغ مینوست

(کلیات / ۶۵۱)...

## ۲-۲- تشبیه عکس:

از دیگر وسایل نو کردن تشبیه، «قلب» یا معکوس کردن آن است. این شگرد هنری، تشبیه را از عادی بودن و فرسودگی و احتضار، رهایی می بخشد و خونی تازه در شریان خیال جاری می سازد و موجب «جور دیگر دیدن» و در نهایت تناسی تشبیه می شود. تشبیه عکس، بازسازی تخیل و به نوعی دیگر نگرستن و زندگی بخشی به اثر ادبی است و اگر عکس تشبیهی ممکن باشد؛ یعنی بتوان آن را وارون و بازگونه کرد<sup>(۱۷)</sup>؛ معانی به صورت اغراق آمیز ارائه شده و در این مورد است که وظیفه اصلی تشبیه مقلوب خودنمایی می کند<sup>(۱۸)</sup>. اگر در تشبیه تفضیل، مشبه بر مشبه به

برتری دارد و غرض عاید مشبه می شود؛ در این نوع تشبیه، قصد بستگی به دید شاعر دارد که کدام طرف را اصل یا فرع قرار دهد و معمول آن است که مشبه به اعرف و اجلی از مشبه باشد، اما در تشبیه عکس، گاه مشبه که فرع و مشکوک است؛ اصل فرض می شود «تشبیه به موجب همین ادعا و زیاده روی و تناسی که شاعر دارد- در اینکه فرعی را اصل می پندارد- درست است.»<sup>(۱۹)</sup> و بهترین نمونه ای که مکرراً در کتب بلاغی آمده است؛ بیت محمدبن و هب حمیری است:

بدا الصَّبَّاحُ كَأَنَّ عُرْتَهُ      وَجَهُ الخَلِيفَةِ حِينَ يَمْتَدِحُ<sup>(۲۰)</sup>

که شاعر روی و رخسار خلیفه را اصل قرار داده و مشهورتر از فروغ صبحگاهی قلمداد کرده است و با توجه به دریافت ذهنی و پندار شاعرانه که غرض ادعای رجحان و برتری چهره ممدوح بر روشنایی صبح است؛ تشبیه به اوج اغراق شاعرانه رسیده و موجب تناسی تشبیه هم گشته و مابین تشبیه و استعاره مرشحه در تردّد است. فایده این شیوه، به مشبه به برمی گردد و غرض هم عاید آن می شود و ناقص در وجه شبه را به ادعای اتمیت و اکمیت مشبه به سازند (۲۱) و ابتکار و افسون شعری هم که مایه ابداع و آفرینش اثری هنری است؛ جلوه نمایی می کند و هر اندازه در این زمینه سحر کاری شاعر بیشتر باشد؛ سبک شخصی وی ممتازتر می نماید:

به زیورها بیاریند وقتی خوبرویان را

تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی<sup>(۲۲)</sup>

(ط/۲۸۱)

### ویژگیهای تشبیه عکس شعر سعدی:

۱-۲-۲- خوش آهنگ ترین و زیباترین تشبیه عکس در غزل سعدی، آنجاست که طرفین در تقابل همه جانبه با یکدیگر قرار می گیرند. «گاهی شاعر با صید تضادها در حریم تصویر و عاطفه، موفق می شود که در عین نگاهداری وحدت

کلی و همزیستی جلوه های متضاد زیر و بمها و موجهای معنی را پیایی در دیدگاه خواننده قرار دهد و از این پویایی پیایی، اهتزاز روح و نوازش خاطر را تدارک کند.»<sup>(۲۳)</sup> در پیوند تضادها و تصاویر پارادوکسی (متناقض نما) (Paradoxical images) است که ترکیب جدید با روح و بار عاطفی تازه آفریده می شود و دنیای نورخ می نماید و تأثیر سخن و اغراق در تشبیه به کمال می رسد:

گل، با وجود او، چو گیاه است پیش گل، مه، پیش روی او، چو ستاره است پیش ماه  
(ط/۲۴۲)

گل نسبتی ندارد، با روی دلفریبت تو در میان گلها، چون گل میان خاری  
(ط/۲۵۶)

۲-۲-۲- گاهی تصاویر متضاد همراه با تجاهل العارف، استفهام انکاری و تقریری به قصد برانگیختن تعجب در اغراق آمیز جلوه دادن سخن به یاری خیال می آیند که در تأکید آن تأثیر تام دارند:

سالی وصال با او، یک روز بود گویی و اکنون در انتظارش روزی به قدر سالی  
(ب/۸۱)

ندانم این شب قدر است یا ستاره روز! تویی برابر من، یا خیال در نظرم؟ (ط/۲۱۰)  
سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا تو نه آنی و نه اینی، که هم این است و هم آنت  
(ق/۳۲۴)

پیشت به تواضع است گویی افتادن آفتاب بر خاک  
(کلیات/۶۶۰)

۲-۲-۳- بعضاً نه تنها از ادعای برتری مشبه به عدول می کند، که در برتری مشبه تأکید هم می ورزد و فقط مشبه را ذاتی و اصیل می پندارد و مشبه به را نه فرع، که

گاه نفی می کند وصفات و ویژگی‌هایی هم که دارد؛ عرضی و وام گرفته از مشبّه می داند و این معنا را سعدی با زیورهای بدیعی توأم می کند تا شکل و هیأت خیالی آنها کاملتر شود:

بر بود جمالت ای مَه نو      از ماه شب چهارده ضو  
چون می گذری بگو به طاووس      گر جلوه کنان روی چنین رو  
(کلیات / ۶۶۰)

ز رنگ لاله مرا روی دلبر آید یاد      ز شکل سبزه مرا یاد خط یار آید  
(خ / ۲۹۸)

حال درویش چنان است که خال تو سیاه      جسم دلریش چنان است که چشم تو سقیم  
(خ / ۳۰۸)

در این روش بیانی، گاه اغراق هنری چنان قوی است که دیگر همان مرز تقریباً نامرئی هم میان تشبیه عکس و تفضیل باقی نمی ماند.

۴-۲-۲- گاهی نیز خواننده و شنونده شعر در تمیز نوع تشبیه در می ماند و تنها لذت هنری می برد. شاید بتوان گفت تفاوت اصلی تشبیه عکس با تفضیل در شکل ظاهری آن است و فصل ممیّزه آن در تقابل صوری طرفین تشبیه است که باعث خیال انگیزی و مبالغه آمیز شدن تشبیه می گردد، اما در نهایت، هدف این بیان هنری هم چون تفضیل، مشروط و ضمنی مبالغه و ادعای برتری است و این تشبیه در صورتی که از پایه های ذوقی و هنری برخوردار باشد؛ می تواند جنبه خیالی موضوع را وسعت بیشتری دهد و «انتخاب یا قدرت بر خلق این مایه از اغراق کاری است که از عهده هر کسی بر نمی آید.»<sup>(۲۴)</sup> زیرا شاعر با این نوع بیان، اقدام به برجسته سازی و رستاخیز واژه ها (resurrection of the words) می کند و نیز ذهن را از هنجار عادی و روزمرگی منحرف و متوجه اهمیت اموری می سازد که کمتر بدانها

عنایت شده است. در درجهٔ دوم وچندم قرار گرفته اند و باعث طراوت و تازگی سخن می‌گردد. جهانی نوآفریده می‌شود و «این شیوه از تشبیه، یکی از راههای ساختن تصویر ذهنی و ارائهٔ غیر مستقیم اندیشه یا حس است.»<sup>(۲۵)</sup>

### نمونه های تشبیه عکس و تفضیل با هم:

زلف او بر رخ چو جولان می کند      مشک را در شهر ارزان می کند  
جوهری عقل، در بازار حسن      قیمت لعلش به صد جان می کند  
آفتاب حسن او تا شعله زد      ماه، رخ در پرده پنهان می کند  
(ق/۳۲۶)

تویی که گر بخرامد درخت قامت تو      زرشک، سرو روان را به اهتزاز آرد  
(ق / ۳۲۵)

پایه خورشید نیست پیش تو افروختن      یا قدو بالای سرو پیش تو افراختن  
(ط / ۲۳۵)

نسخهٔ چشم و ابرویت، پیش نگار گر برم

گویمش: «این چنین بکن صورت قوس و مشتری»

(ط/۲۶۲)...

**۳-۲- تشبیه مشروط:** یا تشبیه شرطی، از دیگر شیوه های رهانیدن تشبیه از کهنگی و رنگ باختگی است که سخنور با پروردن مانده، می تواند پندار شاعرانه را که بی فروغ و ناکارا شده است؛ به شیوه ای نوآیین در سخن بیاورد و بدان، کمابیش، ارزشی زیبا شناختی ببخشد.<sup>(۲۶)</sup>

هدف این شگرد بیانی هم اغراق در تشبیه است که سخنور به شیوه ای پنهانی و پوشیده تر از تشبیه تفضیل و عکس در مبالغه تأکید می ورزد و علت آن نیز اینگونه است که خواننده و شنونده سخن در بادی امر، متوجه اغراق و برتری مشبه بر مشبه به نمی شود:

اگر سروی به بالای تو باشد      نباشد بر سر سرو آفتابی (ب/۷۲)

از نظر منطقیان «قیاس شرطی» همین شیوه تشبیه است. (۲۷)

تشبیه مشروط، یک گام نزدیکتر از تفضیل به استعاره است، پس مبالغه در آن هم شدیدتر به نظر می‌رسد، در این شیوه، ذکر ادات «اگر» و اخوات آن جایز و لازم است، اما به نظر «تفتازانی»، می‌توان به اعتباریایا به سیاق کلام، ادوات را حذف کرد، چون قول خداوند در قرآن کریم: «تَمْرُ مَرَّ السَّحَابِ» (۲۸) و نیز با سلب اوصاف برتر از مشبّه به و اسناد آنها به مشبّه، سیاق کلام را می‌توان شرطی کرد:

ماهت نتوان خواند بدین صورت و گفتار      مه را لب و دندان شکر بار نباشد  
و آن سرو که گویند به بالای تو باش      هرگز به چنین قامت و رفتار نباشد  
(ط/۱۵۲)

من ماه ندیده ام کله دار      من سرو ندیده ام قباپوش  
(کلیات/۶۵۷)

سخنوری چون سعدی، گاه با ابتکار و تصرف شاعرانه، احکام عقلی را به احکام عاطفی بدل می‌نماید و در عین انسجام در کلیت شعر، «رجحان» و برتری مشبّه بر مشبّه به را تأکید می‌کند. (۲۹)

اگر تو آب و گلی، همچنانکه سایر خلق      گل بهشت مخمّر به آب حیوانی  
(ط/۲۷۲)

نشینده ام که ماهی، بر سر نهد کلاهی      یاسرو با جوانان، هرگز رود به راهی  
سرو بلند بستان، با این همه لطافت      هر روزش از گریبان، سر بر نکرد ماهی  
(ب/۸۸)

در این ابیات تصرف شاعرانه به منظور رفع ابتذال و نوسازی تشبیه قریب مبتذل از طریق شرط (۳۰) است که گاه با مقید و مرکب ساختن تشبیه نیز همراه است و

مفاهیمی به مشبّه افزوده می‌گردد که از مصادیق آن کاسته و در نتیجه نادر و غریب و سرانجام بلیغ تر و اغراق آمیزتر جلوه می‌کند. پس از حیث ساختار، تشبیه مشروط از جنس تشبیهات مقید و مرگب است و از حیث معنا و مفهوم، از گونه تشبیهات تفضیل و از جنبه خیال انگیزی با زیور بدیعی «اغراق» در یگانگی و پیوند تنگاتنگ است:

گر کسی سرو شنیده است که رفته است این است

یا صنوبر که بنا گوش و برش سیمین است

(ب/۱۴)

من سرو را قبا نشنیدم دگر که بست بر فرق آفتاب ندیدم کلاه را

(ط/۱۰۱)

با مدادش بین که چشم از خواب نوشین بر کند

گر ندیدی سحر بابل در نگارستان چین

(ط/۲۴۰)

#### ۴-۲- تشبیه مضمّر یا ضمنی

تشبیه نهان را، عالی و غیر صریح هم می‌گویند. در این شیوه بیانی، شاعر سخن را به گونه ای می‌آورد که انگار قصد تشبیه ندارد و موجب می‌گردد که ذهن شنونده به جستجو و کندوکاو پردازد و در روابط کلام، تأمل و دقت بیشتر کند. در این نوسازی و تصرف، ساختار ظاهری طرفین تشبیه در شکل مشهور خود به کار گرفته نشده، آنچنان که گویی خواست سخنور، تشبیه نبوده است.<sup>(۳۱)</sup> بلکه تلمیح به مشبّه و مشبّه به می‌شود و مشبّه به همواره بعنوان برهان و دلیلی بر امکان اسناد مشبّه بدان است. متنبی گوید:

من يَهْنُ يسهَلُ الهوانُ عليه

مَالِجْرَحِ بِمَيِّتِ اِيْلَامٍ<sup>(۳۲)</sup>

سعدی تحت تأثیر این مضمون گوید:

از ملامت چه غم خورد سعدی      مُرده از نیشتر مترسانش (ط/۱۹۲)  
سعدی از سرزنش خلق نترسید هیهات!      غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را  
(ط/۱۰۱)

در ظاهر بیتها، هیأت معروف تشبیه رعایت نشده است؛ بلکه تشابهی که اقتضای تساوی می کند؛ به چشم می خورد. «تفتازانی»، هدف از این تشبیه را بیان حال مشبه یا وصفی از اوصاف آن و تقریر حال و تقویت مشبه در نفس سامع دانسته است که به وسیله حسّیات بیان شده است<sup>(۳۳)</sup>. منظور از حسّیات وجه یا وجوه شبه است که در هیأت کلی و «مقیّد و مرگّب» بیان می شود و غالباً تشبیه را به سمت «تمثیل» و سرانجام «استعاره تمثیلیه» و «اسلوب معادله» که نماینده سبک مشهور به هندی است؛ سوق می دهد:

من صبر بیش از این توانم ز روی او      چند احتمال کوه تواند بود کاه را  
(ط/۱۰۱)

تا مست نباشی، نبری بار غم یار؛      آری! شتر مست کشد بارگران را  
(ب / ۵)

گاه اهداف دیگر بیانی تشبیهات هنری در این شیوه، مضمرو نهان است. یعنی شرط و تفضیل و عکس را در خود پنهان دارد و از این روست که آن را تشبیه «عالی» که بلیغ ترین و موجزترین نوع تشبیه است نامیده اند. «اینگونه تشبیه، شاعرانه ترین مقوله سخن و یکی از شکلهای خیالی غریب است که دستبرد تجربه و دقت استعداد هنرمند را نشان می دهد و در همین مبحث نیز هست که باریک اندیشیهای بیش از حد دسترس دیگران، سبکهای خیالپردازانه ای در استعاره و کنایه و تمثیل و ایهام بوجود می آورد و شعر را از حالت طبیعی خود به درمی برد.»<sup>(۳۴)</sup> گاهی تشبیهات مضمرو با تشبیه تفضیل همراه است و در صفتی از صفات مشبه به مشبه به برتری دارد.

سعدی، این شگرد را سهل و موجز همراه با زیورهای خیال انگیز و اغراق آمیز بدیعی و بیانی از جمله تجاهل العارف که مبنای این نوع تشبیه است و ایهام و اسنادهای مجازی بیان کرده است:

آن گوی معنبر است در جیب      یا بوی دهان عنبرین بوی  
(کلیات / ۶۵۱)

تو را در بوستان باید که پیش سرو نشینی

و گرنه باغبان گوید که: دیگر سرو نشانم

(ط / ۲۱۶)

شمع جانم را بگشت آن بیوفا؛      جای دیگر روشنایی می کند

(ط / ۱۶۳)

**تشبیه تلمیحی معشوق به ماه:**

باری، مگرت بر رخ جانان نظر افتاد      سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی

(ق / ۳۳۵)

**تشبیه ضمنی خود به ذره و معشوق به خورشید:**

نه آن شب است که کس در میان ما گنجد      به خاک پای تو، گرزده در هوا گنجد

(ب / ۲۸)

یا: ماه نتابد به روز، چیست که در خانه تافت؟

سرو نروید به بام، کیست که بر بام رفت؟

(ط / ۱۳۸)

تقریباً همه تشبیهات، مبین نوآوری و دوری ذهن از شائبه تقلید است و خاستگاه و منشأ الهام شاعر در این تشبیهات، علاوه بر معانی متعارف و همگانی که آنها را نیز با

دستکاری هنری از فرسودگی نجات داده و بصورت شخصی جلوه گر ساخته است؛ غالباً برخاسته از تجربه درونی، شخصیتی و علمی وی است.

### اشاره به آداب تصوف:

در گلستانی کان گلین خندان بشکفت سرو آزاد به یک پای غرامت برخاست  
(ط/۱۱۲)

اشاره به سماع حاصل از سرمستی و خطوراحوال بردل سالکان در تشبیه معشوق  
به فتنه گر: (اسناد مجازی، فاعل به مصدر):

دی زمانی به تکلف بر سعدی بنشست فتنه بنشست چو برخاست، قیامت برخاست  
(ط/۱۱۲)

### اشاره به آداب جنگ و یورش به دشمن:

خود کرده بود غارت عشقش حوالی دل؛

بازم به یک شیخون بر ملک اندرون زد

(ب/۳۲)

### ۳- نتیجه

براساس آنچه گذشت؛ می توان چنین نتیجه گرفت که سعدی در تشبیه، به آفرینش هنری ویژه دست زده و از آنجا که صاحب اسلوب شخصی است، به تصاویر بیش و کم اختصاصی دست یافته است. در تشبیهات هنری وی، ویژگیهایی است که در آثار کمتر سخنوری دیده می شود و از مقاصدی که درباره این تشبیهات در منابع بلاغی آمده فراتر رفته است.

### در تشبیه تفضیل:

۱- از زیورهای بدیعی یاری می جوید و خواننده را وادار به مطالعه در منابع الهام خود می کند.

۲- در روابط طبیعی دوسوی تشبیه ابتکار ایجاد و آنها را به مناسبات غیرطبیعی تبدیل می کند.

۳- گاهی مرز تشبیهات هنری در یکدیگر تداخل می کند. مثلاً تشبیه تفضیل با شرط و عکس و ضمنی یکی می شود یا تفضیل با ضمنی در یک خط موازی قرار می گیرد.

**در تشبیه مقلوب**، معمولاً فرع را اصل قرار می دهد و موجب تناسی تشبیه می شود و آن را به مرز استعاره مرشحه نزدیک می کند. زیباترین تشبیه عکس آنجاست که طرفین در تقابل همه جانبه قرار می گیرند.

**تشبیه مشروط**، یک گام به استعاره نزدیکتر از تفضیل است، پس مبالغه در آن شدیدتر به نظر می رسد. زیباترین تشبیهات مشروط سعدی آنجاست که ادوات شرط از تشبیه و نیز اوصاف برتر از مشبّه به سلب شده و به مشبّه استناد داده شده اند.

**غالب تشبیهات مضمّر** سعدی در یک بیت شکل اسلوب معادله و استعاره تمثیلیه یا نزدیک به آن را دارند. اهداف دیگر تشبیهات هنری سعدی، غالباً در تشبیه مضمّر پنهان است.

## یادداشتها

- ۲۱- حدیث خوش سعدی، ص ۱۷.
- ۳- نیز بنگرید به: با کاروان حله، ص ۲۵۵.
- ۴- نیز بنگرید به: نقشیند سخن، ص ۱۱۰.
- ۵- معالم البلاغه، ص ۲۴۴. نیز: مختصر المعانی، ص ۱۸۷ و اسرار البلاغه، ص ۵۰.
- ۶- صور خیال در شعر فارسی، ص ۵۶.
- ۷- تعبیر از آقای دکتر تجلیل است. نیز نک: شماره ۴، ص ۲۴.
- ۸- صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، ص ۵۸.
- ۹- بیتهایی که با «ب»، «ط»، «خ» و «ق» نشان گذاری شده و بدانها ارجاع داده شده است؛ به تربیت اختصار. «بدایع»، «طیبات»، «خواتیم» و «غزلیات قدیم» هستند که از کتاب «غزلهای سعدی» ویرایش میرجلال الدین کزازی، نشر مرکز، ۱۳۷۶ طبق نسخه محمدعلی فروغی، یادداشت برداری شده است.
- ۱۰- یحیی طالبیان، آمیختگی اغراق با شگردهای بیانی در شعر فردوسی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۰۷.
- ۱۱- قید، «غالباً» درباره مبتدیان خالی الذهن صادق است نه علمای نقد و بلاغت، همچنین طبقه بندی اگر علمی، جامع و مانع باشد وحدّ و رسم آن مشخص شود؛ نه تنها ذهن را محدود و سردرگم نمی کند که در شکوفایی ذوق و استعداد نیز مؤثر است. نیز رک، یحیی طالبیان، «تعدد و ترکیب در تشبیه»، نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره هشتم، زمستان ۱۳۷۵، صفحه ۵۳ و نقشبند سخن، صص ۴۱ تا ۵۳.
- ۱۲- درویش الجندی، فن التشبیه، کتبه النهضه، الطبعة الاولى ۱۹۵۲ م ۷۶/۱، بدوی طبانه، علم الیابان، مصر، مکتبه الانجلو ۱۹۶۷، م ص.

۱۳- ترجمان البلاغه، ص ۵۱، نیز بنگرید به: المعجم فی معابیر اشعار العجم، ص ۳۵۴ و مختصر المعانی، ص ۲۱۰ و هنجار گفتار، ص ۱۷۷. نقل نظر رادویانی تنها به علت تقدّم در تألیف و تدوین نخستین اثر بلاغی به زبان فارسی است و گر نه تعریف مزیت چندانی نسبت به تعاریف علمای بلاغی عربی ندارد و دیگر اینکه پس از وی، غالب علماء از تأثیر ترجمان البلاغه به دور نبوده اند.

۱۴- نک: معانی و بیان، علوم مقدم و اشرف زاده، ص ۱۱۰.

۱۵- زیباشناسی سخن پارسی، بیان، ص ۷۵.

۱۶- بنگرید به منبع شماره ۴، ص ۱۱۷.

۱۷- منبع شماره ۱۳، صص ۴۲ و ۴۴. المعجم، ص ۳۴۵، مختصر المعانی، ص ۲۱۰، نیز نک: النقد الادبی الحديث، محمد غنیمی هلال، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۷، ص ۱۲۸.

۱۸- نک: منبع شماره ۶ ص ۷۰، نیز بنگرید: منبع شماره ۸ ص ۴۹.

۱۹- اسرار البلاغه، ص ۱۳۷.

۲۰- همان، ص ۱۳۸، نیز بنگرید: مختصر المعانی، ص ۲۵۴ و از کتب متأخر: جواهر البلاغه، ص ۲۷۶، معالم البلاغه، ص ۲۶۷، البلاغه الواضحه، ص ۵۹، هنجار گفتار، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲۱- نیز بنگرید: مختصر المعانی، ص ۲۱۰، البلاغه الواضحه، ص ۶۰، علوم البلاغه، ص ۸۵، تهذیب البلاغه: ص ۸۵ و هنجار گفتار، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲۲- نظیر: «و اذا الدُّرُّ زانٌ حُسنٌ وُجوهٍ  
كانَ لِلدُّرِّ حُسنٌ وُجهِکَ زیناً»  
به نقل از تاریخ جهانگشای جوینی، مصحح، مرحوم علامه قزوینی، ارغوان، ۱۳۷۰، ص

۱۴۸.

حافظ:

گرغالیه خوشبو شد، در گیسوی او بیچید

ور و سمه کمانکش گشت در ابروی او بیوست

(غزل ۲۷، طبع قزوینی)

۲۳- منبع شماره ۴، ص ۱۱۴.

۲۴- منبع شماره ۶، ص ۷۱.

۲۵- منبع شماره ۸، ص ۴۹.

۲۶- منبع شماره ۱۵، ص ۷۴.

۲۷- بنگرید: ترجمان البلاغه، ص ۵۲.

۲۸- بنگرید: مختصر المعانی، ص ۲۱۱.

۲۹- بنگرید: درباره ادبیات و نقد ادبی، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۴۷.

۳۰- بنگرید: معانی و بیان «یادداشت‌های جلال الدین همایی»، ص ۱۶۳، هنجار گفتار،

ص ۱۷۶، معالم البلاغه، ص ۲۸۱.

۳۱- شماره ۱۵، ص ۷۶.

۳۲- جواهر البلاغه فی المعانی والبیان والبدیع، ص ۳۷۴، نیز بنگرید: البلاغه الواضحه، ص ۴۷، المعجم،

ص ۳۵۳، علوم البلاغه، ص ۸۴، هنجار گفتار، ص ۱۷۷، معانی و بیان

همایی، ص ۱۵۸، بیت متنبی که شیخ اجل از آن متأثر است؛ در گفته های ارسطو

یافت می شود: «النفسُ الذلیله لا تجدُ ألمَ الهوان...» بنگرید به: مقاله «متنبی

وسعدی»، کتاب دومین بیست گفتار، دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه مک

گیل کانادا شعبه تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۱.

۳۳- منبع شماره ۲۸، ص ۲۰۲.

۳۴- بیان در شعر فارسی، ص ۵۰.

## منابع و مأخذ

- ۱- تفتازانی، (۱۳۷۶). **مختصر المعانی**. م، قم: دارالفکر.
- ۲- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۸). **نقشبند سخن**. چاپ اول. تهران: نشر اشرافیّه.
- ۳- تقوی، سید نصرالله. (۱۳۶۳). **هنجار گفتار**. چاپ دوم. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
- ۴- ثروتیان، بهروز. (۱۳۶۹). **بیان در شعر فارسی**. چاپ اول. تهران: انتشارات برگ.
- ۵- الجارم، علی و امین، مصطفی. (۱۴۱۴). **البلاغه الواضحه، الطبعة الرابع**. قم: دارالثقافه.
- ۶- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۴). **اسرار البلاغه**. چاپ چهارم. ترجمه تجلیل، جلیل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). **دلایل الاعجاز**. ترجمه رادمنش، سید محمد. مشهد: مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸- الرادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). به تصحیح و اهتمام آتش، احمد. چاپ دوم. **ترجمان البلاغه**. تهران: انتشارات اساطیر.
- ۹- رازی، شمس قیس. (۱۳۶۰). **المعجم فی معاییر اشعار العجم**. چاپ سوم. تصحیح، قزوینی، محمد بن عبد الوهّاب. تهران: کتابفروشی زوّار.
- ۱۰- رجایی، محمد خلیل. (۱۳۷۲). **معالم البلاغه**. چاپ سوم. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۰). **با کاروان حله**. چاپ ششم. تهران: انتشارات علمی.

- ۱۲- \_\_\_\_ (۱۳۷۹). **حدیث خوش سعدی**. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). **صور خیال در شعر فارسی**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۴- \_\_\_\_ (۱۳۷۰). **موسیقی شعر**. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). **بیان**. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوس و مجید.
- ۱۶- طالبیان، یحیی. (۱۳۷۸). **صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی**. چاپ اول. کرمان: موسسه انتشاراتی و فرهنگی عماد کرمانی.
- ۱۷- علوی مقدم، محمّد و اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۹). **معانی و بیان**. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۱۸- میرجلال‌الدین کزازی. (۱۳۷۱). **غزلهای سعدی**. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- ۱۹- غلائینی، مصطفی. (۱۳۷۲). **علوم البلاغه**. چاپ اول. مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۲۰- فضلی، دکتر عبدالهادی. (۱۳۷۷). **تهذیب البلاغه**. چاپ هشتم. ۴۱۸ هـ - ق، المجمع العلمی الاسلامی.
- ۲۱- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۶۱). **زیبا شناسی سخن پارسی (۱). بیان**. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- ۲۲- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۳). **کلیات سعدی**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۳- المرغینانی، ابوالحسن نصر بن الحسن. (بی تا). **محاسن الکلام فی النظم و النثر**. به تصحیح و اهتمام فشارکی. محمد. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

۲۴- الهاشمی، السید احمد. (بی تا). **جواهر البلاغه**. قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۵- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۳). **یادداشتها**. چاپ دوم. به کوشش ماهدخت با نوهمایی. تهران: موسسه نشر هما.

### نشریات:

۱- طالبیان، یحیی (تابستان و پائیز ۱۳۸۰). آمیختگی اغراق با شگردهای بیانی در شعر فردوسی. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره ۴۷-۴۶، شماره های ۱۵۹-۱۵۸، صص ۲۰۵.

